وکیل خانواده هاشمی به اتهام‌های منتقدان پاسخ داد

طباطبایی: مهدی هاشمی بر می‌گردد علنی محاکمه‌اش کنند

عکس‌ها: امیر حیدری، شرق

۱. وکیل خانواده هاشمی بودن چه حسی دارد؟

حس خوبی دارد.

۲. محرم جای مهمی شده‌اید؟

من به طور اتفاقی وکیل آقای هاشمی شدم.

۳. حضور را آیت‌الله هاشمی آشنا شدید که تا اینجا پیش رفتید و وکیل خانواده هاشمی شدید؟

در دوران جنگ با آقای هاشمی آشنا شدم مدیر امور دفاعی سازمان برنامه بودم و کل بودجه دفاع و جنگ و امنیت را ما می‌دادیم. در بحث جنگ ما با رها و ها با آقای هاشمی جدل کردیم اما با هم که آشنا شدیم آقای هاشمی به من علاقه پیدا کردند. بعدها در مجلس چهارم می‌خواستم نماینده شوم که انتخابات دچار مشکل شد. رفتم وکیلم بشم آشنا شدیم.

۴. برای مقابله با بطال رفتید؟

نه در یکی از آن جلسه‌ها به صورت اتفاقی به آقای هاشمی گفتم بچه‌های شما از رانت استفاده می‌کنند. آقای هاشمی از من پرسیدند شغل پدرتان چه بود؟ گفتم پدرم یک کشاورز در روستای نطنز است. پرسید تحصیلاتتان چیست؟ گفتم فوق‌لیسانس حقوق. گفت شما خودتان را یک سر من مقایسه کنید؛ پسر یک کشاورز در روستای نطنز هستید و فوق‌لیسانس حقوق دارید من هم پسر همین پدرم‌بی‌سواد است و از یک دانشگاه معتبر فوق‌لیسانس گرفته. گفت تو الان مدیرکل سازمان برنامه هستی و محسن پسر من هم رییس یک بخش در سازمان صنایع دفاع است. این را بگیر است؟ دیدم که درست می‌گوید، واقعا رانت نیست. بالاخره بچه‌های آقای هاشمی آنقدر باسابقگی داشتند که در این مسمت هاشتند.

۱. واین خانواده‌سالاری نیست.

نه فکر نمی‌کنم.

۲. وجطور بیشتر به آیت‌الله هاشمی نزدیک شدید؟

در سال ۷۷ در نجاره‌مه به آقای نوری و مهاجرانی حمله شد و من آنجا حضور داشتم با یک گروه ۲۰۰۰ نفره از بچه‌های نیروی هوایی بودیم که بعطور مرتب از اول انقلاب تا سال ۷۷-۷۸ با همه به نماز جمعه می‌رفتیم و در انتهای خیابان طالقانی در شرقی دانشگاه می‌نشستیم. آن روز نماز نماندند که یکمرتبه بسیرم گفت بابا آقای نوری دیدم یک عده آقای نوری را محاصره کردند. ما هم رفتیم جلوی دوستم گفت برو نوری را محاصره کردند. ما هم رفتیم و با داشتم کتک می‌خوردم که دیده گروهی مرتب می‌گویند شرود به نوری، شرود به نوری. آنجا آقایی را دیدم که با یک نوار بچه‌ها را کتک می‌زد. یقه‌اش را گرفتم و گفتم تو داری اینجا را هدایت می‌کنی. بعد گزارشی تهیه شد که شهادت من در مورد حضور آن فرد و هدایت حمله به آقای نوری در آن گزارش ثبت شد. فلزه هاشمی، این گزارش را بیش حسن روحانی می‌بینند و در روزنامه‌ای می‌نویسند که چه کسی سردسته حمله بوده. آن فرد آقای شکایت کرد و فلزه اعلام کرد که شاهد دارد. من تا آن روز فلزه هاشمی را ندیده بودم و نمی‌شناختم. با آقای هاشمی ارتباط نداشتم. با مهدی هاشمی کبوبیش و با دامنی بیشتر. چون در صنایع دفاع بودم مهدی را یکی. دیوار دیده بودم. یاسر راهم یکبار. یک روز منشی من در سناد موامحفر گفت که فلزه هاشمی شما با شما کار دارد. گفتم چرا کار دارد. گفت نمی‌دانم. دیوار رنگ زد گفت آقای طباطبایی من در روزنامه نوشتم برای ماجرای آقای نوری شاهد دارم و می‌خواهم شما بیایید شهادت بدهید. گفتم برای چه نوشتید؟ دلیلی ندارد من بیایم برای شما شهادت بدهم. گفت چرا دلیلی ندارد و اصافه کرد. اگر حاتم‌آقا بخواهد چطور؟ گفتم چرا برای حاتم‌آقا بخواهد من اینجا می‌دهم.

۴. چرا؟

چون با آقای هاشمی انقلاب شدم. یک فراری می‌گذارم شما بیایید پیش آقای هاشمی من رفتیم و برای آقای هاشمی توضیح دادم بعد هم رفتیم دادگاه شهادت دادم که برای خودش ماجرایی است. آن فرد هم محکوم شد اما نگفتند چرا. بعدها از قدرت به دادگاه رفتیم. در قوه هم محکوم شد اما نگفتند. بعدها در دادگاه تجدید نظر شد و آقای هاشمی پدرم‌برای آن ماجرا پیش رفتیم. در تجدید نظر شد و آقای هاشمی آنقدر باسابقگی داشتند که در این مسمت هاشتند.

۱. این خانواده‌سالاری نیست.

نه فکر نمی‌کنم.

۲. وجطور بیشتر به آیت‌الله هاشمی نزدیک شدید؟

در سال ۷۷ در نجاره‌مه به آقای نوری و مهاجرانی حمله شد و من آنجا حضور داشتم با یک گروه ۲۰۰۰ نفره از بچه‌های نیروی هوایی بودیم که بعطور مرتب از اول انقلاب تا سال ۷۷-۷۸ با همه به نماز جمعه می‌رفتیم و در انتهای خیابان طالقانی در شرقی دانشگاه می‌نشستیم. آن روز نماز نماندند که یکمرتبه بسیرم گفت بابا آقای نوری دیدم یک عده آقای نوری را محاصره کردند. ما هم رفتیم جلوی دوستم گفت برو نوری را محاصره کردند. ما هم رفتیم و با داشتم کتک می‌خوردم که دیده گروهی مرتب می‌گویند شرود به نوری، شرود به نوری. آنجا آقایی را دیدم که با یک نوار بچه‌ها را کتک می‌زد. یقه‌اش را گرفتم و گفتم تو داری اینجا را هدایت می‌کنی. بعد گزارشی تهیه شد که شهادت من در مورد حضور آن فرد و هدایت حمله به آقای نوری در آن گزارش ثبت شد. فلزه هاشمی، این گزارش را بیش حسن روحانی می‌بینند و در روزنامه‌ای می‌نویسند که چه کسی سردسته حمله بوده. آن فرد آقای شکایت کرد و فلزه اعلام کرد که شاهد دارد. من تا آن روز فلزه هاشمی را ندیده بودم و نمی‌شناختم. با آقای هاشمی ارتباط نداشتم. با مهدی هاشمی کبوبیش و با دامنی بیشتر. چون در صنایع دفاع بودم مهدی را یکی. دیوار دیده بودم. یاسر راهم یکبار. یک روز منشی من در سناد موامحفر گفت که فلزه هاشمی شما با شما کار دارد. گفتم چرا کار دارد. گفت نمی‌دانم. دیوار رنگ زد گفت آقای طباطبایی من در روزنامه نوشتم برای ماجرای آقای نوری شاهد دارم و می‌خواهم شما بیایید شهادت بدهید. گفتم برای چه نوشتید؟ دلیلی ندارد من بیایم برای شما شهادت بدهم. گفت چرا دلیلی ندارد و اضافه کرد. اگر حاتم‌آقا بخواهد چطور؟ گفتم چرا برای حاتم‌آقا بخواهد من اینجا می‌دهم.

۴. چرا؟

به دلیل ماموریتی که از طرف دانشگاه آزاد به او داده شده برای سرکشی به واحدهای خارج از کشور؛ یعنی واحدهای لندن، لیبال و سیریه البته دنبال گرفتن پذیرش از دانشگاه آکسفورد برای دکترای علوم سیاسی هم بود. مقدمات پذیرش‌اش هم انجام شده بود. پس رفته تا دکترایش را هم بگیرد.

۵. خب اگر دلیل خروجش انجام ماموریت برای یکی از نهادهای نظام بوده و گرفتن دکترا از آکسفورد، چرا باید زمزمه‌هایی مبنی بر دستگیری او که بعدها منتشر شد؟

تعطیلات عید ۸۹ که همسر مهدی با من تماس گرفت. موضوعی نداشتیم.

۶. از لندن؟

خیر. ایران. ایران هستند همسرش گفت از وقتی که مهدی رفته من کمتر خانه خودمان می‌رفتم. بیشتر با خانه مادرش هستم با خاله فلزه رو‌ا جمعه که به خانه آمدم دیدم یک احظه‌ای از شعبه ۴ بازپرسی زندان لویی داخل خانه انداخته شده.

بعد از تعطیلات نوروز ۸۹ در دادگاه انقلاب بازپرسی را دوستم و سه دفتر بازپرسی با دادگاهی در نوروز گفته بود که ما فرزاندی را علیه بزنی بعنوان مشاور به مبلغ ۲۰۰میلیون دلار سسنیم که پیچیدلین‌دلار هم بین‌پرداخت دادنایم به درصدی به مهدی هاشمی رانشته شد.

۱. این عباس بزنی چه کاره بود؟

یک ایرانی بود.

۲. بلم اهم‌ایرانی بود.

با مهدی دوست بود.

۳. خب... هر کس برای آقای بزنی دوست مهدی هاشمی، باید با او ۲۰۰میلیون‌دلار قرارداد سست‌ن. مر خیلی دوست دارم که تقریبا همگی این‌ادعا را می‌کنند؟ آقای بزنی هم مسببول سایت شماست؟

بعد بزنی در لندن شرکت داشت مسیر شرکت استانبول گفته بود با عباس بزنی قرارداد بسسته‌ایم که در مورد قراردادهای نفتی به ما مشورت دهد. عباس بزنی هم شوهرخواهر معاون قرارداد‌های نفتی بود نه بود. مهدی می‌گفت درست است عباس بزنی در دانشگاه با من همکلاس بوده و سالم‌وعلیک داشتیم ولی او اگر می‌خواست اطلاعاتی بگیرد تا اگر من شرکت می‌شدم، از شوهرخواهرش می‌گرفت و نیازی نبود از من بگیرد. ضمن اینکه مهدی هیچ اطلاعاتی را به قرارداد استانبول باید بدهد.

۴. در پروژه استانبول نیز که شرکت متشاکی بود؟

پروژه استانبول به دادسرا رسید.

۵. چه مالی؟

بطنا.

۶. برای رسیدگی به نامه کرمی به کجا دسترسی داده شد؟

به دادستان کل کشور. اما از نتیجه‌اش اطلاعی ندارم. بعد از این دیگر ما تا بعد از ظرف ایران هم وکیل بودم.

۱. یعنی یک شکایت یکسان از طرف شش عضو خانواده هاشمی ثبت کردید؟

بله، بعد هم از یکسری رسانه‌ها شکایت کردم که بیشترش به وکالت از مهدی بود. من و مهدی در سوری به دیپ دلیتسیپ تفاهم کردیم هر رسانه‌ای تعرضی کرد شکایت کنیم.

۲. و تا الان از چند رسانه شکایت کردید؟

به خاطر ندارم. من خیلی زیاد عصد. عمده شکایت‌ها از کیهان، ایران جوان و یکسری سایت‌های متعلق به این جناح است اما فقط یک مورد از شکایت‌ها به دادگاه آمد که مربوط به روزنامه ایران بود. در دادگاه هیات منصفه به اتفاق آرا روزنامه ایران و آقای تکوه اشتهاردی را تبرئه کرد. جلب آنکه دادگاه با وجود نظر هیات منصفه رای به محکومیت مدیرمسوول ایران داد حکم در دیوان‌عالی کشور هم قطعی شد.

۳. در محکوم کردن ایران اتفاقا نمونه‌ای از طرف خانواده هاشمی نشد؟

اصلا اعمال نفوذی نشد ولی آنقدر پرونده روشن بود و نوعبن‌ما مربح که دادگاه حکم محکومیت داد. شاید من به عنوان کسی که وکیل مطبوعات بوده تعامل داشتم این حکم در دیوان‌عالی کشور نقض شود.

۴. حکم چه بود؟

جزای نقل از خبر باشد و حتی دادگاه تاکید داشت خبر نبدهد.

۱. پس چه اتهامی است که دادگاه متصفه آن را اتهام نمی‌داند ولی شما می‌گویید حکمی مبرض بودید؟

در دادگاه خطاب به هیات منصفه گفتم فرزاد کسر شما به عنوان معتمدان مردم در جایگاه انصاف قرار بگیرید ولی اگر جرم به این واضحی را جرم ندانید بی‌انصافی است.

۲. پرونده‌های دیگری هم هست؟

چند پرونده دیگر هست که هنوز در مرحله بازپرسی است.

۳. وهمه این سایت و روزنامه‌ها متعدیا به اتهامی را به خانواده هاشمی نسبت می‌دهند؟

مهدی محور اتهام‌زنی‌هایشان است. تمام این مسایلی که در سایت‌هایشان هست بیشتر اتهامات سیاسی است که به قضایای بعد از انتخابات و ادعای نقش مهدی در راهپیمایی‌های خیابانی برمی‌گردد. یکسری مطالبی می‌نوشتند که به هیچوجه در دستگاه‌های امنیتی هیچ ردپایی از این حرف‌ها ندیدم. اصلا شکایتی از آقای مهدی هاشمی نشده که کل موضوع این است که رسانه‌ها حرف‌هایی زدند و در دادگاهی که برای وقایع پس از انتخابات تشکیل و تا تلویزیون پخش شد. آقای حمزه کرمی مطالبی را علیه مهدی هاشمی در مورد پرونده بهینه‌سازی مطرح کرد.

۴. سازمان بهینه‌سازی سازمان سوخت؟

بله. تا مردداد ۸۸ رییس این سازمان برعهده مهدی بود. حمزه کرمی در دادگاهی که از تلویزیون پخش شد اتهاماتی به خوش‌منتسب کرد و گفت مهدی هم در جریان بوده و نقش داشته.

۱. چه اتهاماتی؟

اتهامات مالی. بیشتر در ارتباط با هزینه یکسری از بودجه‌های دانشگاه آزاد در انتخابات و از این قبیل فضایا.

۲. ارتباطش با سازمان بهینه‌سازی چیست؟

چون کرمی هم مسببول سایت دادسرا بود و هم قبل از اینکه مهدی از بهینه‌سازی استعفا دهد، یکی از مدیرکل‌های این سازمان بود. اما بعدا حموه کرمی نامه‌ای نوشت که آن را خود من به آقای هاشمی رساندم.

۳. نامه چه بود؟

کرمی گفت همه حرف‌هایش علیه مهدی نبوده و تا آخر هم یکی از آیستاد و هنوز هم بی‌اثر از آیستاده و می‌گوید تمام حرف‌هایی که من زده واقعیت ندارد.

۴. یعنی کسانی هم خواستند کرمی اتهاماتی را به مهدی هاشمی نسبت دهد؟

بله.

۱. برای رسیدگی به نامه کرمی به کجا دسترسی داده شد؟

به دادستان کل کشور. اما از نتیجه‌اش اطلاعی ندارم. بعد از این دیگر ما تا بعد از ظرف ایران هم وکیل بودم.

۱. یعنی یک شکایت یکسان از طرف شش عضو خانواده هاشمی ثبت کردید؟

بله، بعد هم از یکسری رسانه‌ها شکایت کردم که بیشترش به وکالت از مهدی بود. من و مهدی در سوری به دیپ دلیتسیپ تفاهم کردیم هر رسانه‌ای تعرضی کرد شکایت کنیم.

۲. و تا الان از چند رسانه شکایت کردید؟

به خاطر ندارم. من خیلی زیاد عصد. عمده شکایت‌ها از کیهان، ایران جوان و یکسری سایت‌های متعلق به این جناح است اما فقط یک مورد از شکایت‌ها به دادگاه آمد که مربوط به روزنامه ایران بود. در دادگاه هیات منصفه به اتفاق آرا روزنامه ایران و آقای تکوه اشتهاردی را تبرئه کرد. جلب آنکه دادگاه با وجود نظر هیات منصفه رای به محکومیت مدیرمسوول ایران داد. حکم در دیوان‌عالی کشور هم قطعی شد.

۳. در محکوم کردن ایران اتفاقا نمونه‌ای از طرف خانواده هاشمی نشد؟

اصلا اعمال نفوذی نشد ولی آنقدر پرونده روشن بود و نوعبن‌ما مربح که دادگاه حکم محکومیت داد. شاید من به عنوان کسی که وکیل مطبوعات بوده تعامل داشتم این حکم در دیوان‌عالی کشور نقض شود.

۴. حکم چه بود؟

جزای نقل از خبر باشد و حتی دادگاه تاکید داشت خبر نبدهد.

۱. پس چرا میل‌هایشان را تازه عوض کرده‌اند؟

فکر می‌کنم خیلی برایشان مهم نبود.

۲. بچه‌هایشان چطور؟ مهدی و فلزه و...

بچه‌ها هم همه خانه دارند.

۳. وضع آنها هم مثل پدر است یا لوس‌تر و لوس‌تر؟

زندگی کاملا معمولی دارند.

۴. پس چرا از این ثروتی که می‌گویید از قبل داشته‌اند استفاده نمی‌کنند؟

نمی‌دانم! اما یک زندگی طبیعی طبیعی دارند. بیشتر تازه‌دم‌ولن‌سیدها هستند. من خیلی تشریفات گسترده‌ای برای خودشان درست می‌کنند. خانواده‌های قدیمی این‌طور نیستند.

۱. می‌توانم بپرسم شما چقدر از خانواده هاشمی حق‌الوکاله می‌گیرید؟

تا الان هیچ چیزی از خانواده آقای هاشمی به عنوان حق‌الوکاله نگرفته‌ام.

۲. صلواتی کار می‌کنید؟

فقط از دادگاه آزاد و نیمچه‌لین‌تومل حق‌الوکاله گرفتم. این را هم عمدا گرفتم. چون بیش از این بابت تهدید فرزندانم به دادستگاه آزاد دادیم.

۱. اما شما وکیل معروفی هستید و بالاخره باید حق‌الوکاله‌اش زیاد باشد.

خیر! منفی از خانواده هاشمی نگرفتم.

۲. دیده‌اید برخی مردم به خانواده هاشمی درست است یا غلط؟

آنقدر علیه آقای هاشمی تبلیغات شده که دیده‌اند‌های عجیب و غریبی شکل گرفته. اولی اقلاب چیها علیه او تبلیغ کردند. بعد مجاهدین خلق و بعدها چیهای اصلاح‌طلب و حالا هم که اصولگرایان. بالاخره‌اش هم تبلیغات موثر بود.

۳. جنجالی‌ترین موکل‌تان در خانواده هاشمی چه کسی است؟

در حال حاضر مهدی.

۴. گویا در مورد جنجالی‌ترین موکل شما؛ یعنی مهدی هاشمی قرار است اتفاق‌های جدیدی بیفتد؟

بله.

۱. قرار است مهدی هاشمی به ایران برگردد؟

بله.

۲. حتما شنیده‌اید که سایت‌های نزدیک به اصولگرایان از آمادگی نهادهای امنیتی برای دستگیری قریب‌الوقوع مهدی هاشمی در فرودگاه می‌نویسند.

خواننده‌ام که چه نوشت‌اند! اما مهدی نه تحت تعقیب است و نه در مرض اتهام.

۱. یعنی شما مهدی هاشمی را حتی در مرض اتهام هم نمی‌دانید. اگر نسبت پس این همه ماتور روی بازداشت او از کجا می‌آید؟

نه مهدی هاشمی در مرض هیچ اتهامی نیست. از ۲۳خرداد۱۳۸۸ نهادهای مربوطه هرکسی را که موظفی، یا او نشدند بازداشت کردند اما مهدی هاشمی در آن زمان و تا پیش از خروج از کشور در دفتر کارش بود و هیچ اتهامی به او نشد حتی در حد یک اخطار کوچک. پس می‌شود نتیجه گرفت اصلا در معرض سوظن نبوده و نیست.

۲. اما همین نبود استدلال کردن شما بیشتر به دفاع از یک متهم می‌ماند تا پاسخ به سوال من به عنوان یک خبرنگار؟

نظر واقعی‌ام را می‌گویم. مهدی هاشمی به اتهام نیست.

۳. منظورتان از دفتر کار مهدی هاشمی دقیقا کجاست؟

دادگاه آزاد. مهدی تا اواخر شهریور ۸۸ رییس دفتر رییس هیات امنای دانشگاه آزاد بود.

۴. اگر در معرض هیچ اتهامی نیست، چرا از ایران رفت؟

به دلیل ماموریتی که از طرف دانشگاه آزاد به او داده شده برای سرکشی به واحدهای خارج از کشور؛ یعنی واحدهای لندن، لیبال و سیریه البته دنبال گرفتن پذیرش از دانشگاه آکسفورد برای دکترای علوم سیاسی هم بود. مقدمات پذیرش‌اش هم انجام شده بود. پس رفته تا دکترایش را هم بگیرد.

۵. خب اگر دلیل خروجش انجام ماموریت برای یکی از نهادهای نظام بوده و گرفتن دکترا از آکسفورد، چرا باید زمزمه‌هایی مبنی بر دستگیری او که بعدها منتشر شد؟

تعطیلات عید ۸۹ که همسر مهدی با من تماس گرفت. موضوعی نداشتیم.

۶. از لندن؟

خیر. ایران. ایران هستند همسرش گفت از وقتی که مهدی رفته من کمتر خانه خودمان می‌رفتم. بیشتر با خانه مادرش هستم با خاله فلزه رو‌ا جمعه که به خانه آمدم دیدم یک احظه‌ای از شعبه ۴ بازپرسی زندان لویی داخل خانه انداخته شده.

بعد از تعطیلات نوروز ۸۹ در دادگاه انقلاب بازپرسی را دوستم و سه دفتر بازپرسی با دادگاهی در نوروز گفته بود که ما فرزاندی را علیه بزنی بعنوان مشاور به مبلغ ۲۰۰میلیون‌دلار بسسنیم که پیچیدلین‌دلار هم بین‌پرداخت دادنایم به درصدی به مهدی هاشمی رانشته شده است.

۱. این عباس بزنی چه کاره بود؟

یک ایرانی بود.

۲. بلم اهم‌ایرانی بود.

با مهدی دوست بود.

۳. خب... هر کس برای آقای بزنی دوست مهدی هاشمی، باید با او ۲۰۰میلیون‌دلار قرارداد سست‌ن. مر خیلی دوست دارم که تقریبا همگی این‌ادعا را می‌کنند؟ آقای بزنی هم مسببول سایت شماست؟

بعد بزنی در لندن شرکت داشت مسیر شرکت استانبول گفته بود با عباس بزنی قرارداد بسسته‌ایم که در مورد قراردادهای نفتی به ما مشورت دهد. عباس بزنی هم شوهرخواهر معاون قرارداد‌های نفتی بود نه بود. مهدی می‌گفت درست است عباس بزنی در دانشگاه با من همکلاس بوده و سالم‌وعلیک داشتیم ولی او اگر می‌خواست اطلاعاتی بگیرد تا اگر من شرکت می‌شدم، از شوهرخواهرش می‌گرفت و نیازی نبود از من بگیرد. ضمن اینکه مهدی هیچ اطلاعاتی را به قرارداد استانبول باید بدهد.

۴. در پروژه استانبول نیز که شرکت متشاکی بود؟

پروژه استانبول به دادسرا رسید.

۵. چه مالی؟

بطنا.

**۶. خب به همین ماجرای انبار هفت جلسه مهدی بازجویی شد. هر جایی در یک نهادی که بهشت به خانواده آقای هاشمی حساس است و هم برخی اصلاح‌طلبان مخالفی نظاش کردند چیزی از این پرونده بیرون بیاورند. کمیسیون امنیت مجلس به رویا رفتند و با انحاحیه اویا با کمیسیون‌های امنیتی انحاحیه و حتی با دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای اروپایی همکاری می‌کردند تا تمام نقاط‌شان‌ان‌ان‌ان که بر کاریانی از مهدی در این پرونده بیدا کنند و سندی علیه او بیابند. استارت این ماجرا با حساب باطل کننده شد. و بالغ قصه این بود که شرکتهای اروپایی قرارداد با نفت ایران را تحریم کرده بودند. استانبول تنها شرکتی بود که حاضر شد با ایران قرارداد ببندد اما بعد استانبول را در ایران مهیم کردند که روشه داده و قرارداد بسته شد.

۱. می‌گفتند به چه کسی رشوه داد؟

به عباس بزنی. عباس بزنی هم از خوش دفاع کرد و در نهایت رای به نفع او داده شد و حتی از آنها خسارت گرفت.

۲. دلیلا گفتند مهدی هاشمی چقدر پورسانت گرفته؟

عباس بزنی پیچیدلین‌دلار برای قرارداش پیش‌پرداخت گرفته بود که در این‌ایران مطرح بود. ۱۰۰هزار‌دلار از این پیچیدلین‌دلار را به مهدی هاشمی داده هیاتی برای بررسی موضوع به اویا رفتند. در آخر هم سندگاهای مربوطه گزارش کاملی به مقامهای نظام از جمله به رییس‌جمهوری و مقامهمقام رهبری دادند که در این گزارش صراحتا آمده هیچ ردپایی از مهدی در پرونده استانبول نیست. مجلس ششم هم از وزارت نفت تحقیق و تفحص کرد و در آخر گزارش مکتوبی با امضای رییس مجلس آماده شد.

۱. اما تا به حال از وزارت نفت تحقیق و تفحص نشده؟

بله فکر کنم از آقای زنگنه به عنوان وزیر نفت در این رابطه سوال شد. اما سوال هم یک نیمی به وزارت نفت رفت و رییس‌جمهور که هیچ ردپایی از مهدی هاشمی نبود.

۲. بعد هم مهدی هاشمی از استانبول شکایت کرد؟

بله ما از آقای اولاف قبل به عنوان مدیرعامل استانبول شکایت کردیم و گفتیم ایشان به مهدی هاشمی قفارزاده که ۱۰۰هزار‌دلار از پیچیدلین‌دلارکه به عباس بزنی پرداخت شده سهم مهدی هاشمی بوده.

۳. مدرعامل استانبول از کجا می‌دانست که چه میلغی به عنوان سهم مهدی هاشمی پرداخت شده؟

گفته بود دیگرما از او شکایت کردیم و متاسفانه بعد از دو سه سال بدون دلیل برای مدیرعامل استانبول منع تعقیب زدند؛ ما هم اعتراض کردیم.

۴. به دادگاهی در داخل ایران شکایت کردید؟

بله چون شرکت استانبول داخل ایران نمایندگی داشت اعتراض کردیم و دادگاه حکم جلب به کیفرخواست داد.

۱. برای اولافدیل اعتراف فرستادند؟

نه! اصلا احضارش نکردند.

۲. چرا؟

این را دادسرا باید جواب بدهد. من چند بار هم پیگیری کردم ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم. من تمام نامه‌ها را که پیدا و ارسال کردم ۲۰۰میلیون‌دلار می‌زنند مدیرعامل استانبول به مهدی هاشمی داده بود که ما فقط ۱۰۰هزار‌دلار از